

دعای روز اول

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ وَ تَبَهَّنِي فِيهِ عَنِ
نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ وَ هَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَ اعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ
الْمُجْرِمِينَ^۱

خدایا روزه مرا در این روز مانند روزه روزه‌داران حقیقی قرار ده و اقامه
نمازم را مانند نمازگزاران واقعی مقرر فرما و مرا از خواب غافلان، بیدار و
هوشیار ساز و در این روز جرم و گناهم را ببخش ای خدای عالمیان! و
زشتی‌هایم را عفو فرما ای عفو کننده از گناهکاران عالم!

ترجمه منظوم دعا

وی تو خلاق سماوات و زمین
با شرافت، چون صیام صائمین
در شمار روزه‌های کاملین
کن حسابش در عداد قابلین
قابل افتد چون قیام قائمین
حاجت ما مردم زار و حزین
کن تو بیدار از نیام غافلین
تا که باشیم از گروه ذاکرین
جرم و تقصیر عموم مذنبین
حق جاه حضرت سلطان دین

ای خدای مسلمین و مؤمنین
کن مقرر صوم ما را در جهان
گرچه قابل نیست کاید در عداد
لیک از راه تفضل کن قبول
هم قیام ما به شب‌ها و سحور
اندر این ماه مبارک یا رئوف
اینکه خواب غفلت از ما دورکن
چشم و هوش و گوش ما را بازکن
هم پیامرز ای خدایا از کرم
خاصه از این عبد سر تا پا گناه

۱. سید بن طاوس؛ اقبال الاعمال؛ ج ۱، ص ۲۵۰.

فقره اول دعا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ:

خدایا روزه مرا روزه روزه‌داران واقعی قرار بده.

پاداش روزه‌داری

خداوند متعال برای روزه‌داران امت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، پاداش‌هایی را در نظر

گرفته است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«أُعْطِيَتْ أُمَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَمْسًا لَمْ يُعْطِهِنَّ أُمَّةٌ نَبِيٌّ قَبْلِي أَمَّا الْوَاحِدَةُ: فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَظَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِمْ وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَدًا وَأَمَّا الثَّانِيَةُ: فَإِنَّ خُلُوفَ أَفْوَاهِهِمْ حِينَ يُمَسُّونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَطِيبٌ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ وَأَمَّا الثَّالِثَةُ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي لَيْلِهِمْ وَنَهَارِهِمْ وَأَمَّا الرَّابِعَةُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَأْمُرُ جَنَّتَهُ أَنْ اسْتَغْفِرِي وَتَزِينِي لِعِبَادِي فَيُوشِكُ أَنْ يَذْهَبَ بِهِمْ نَصَبُ الدُّنْيَا وَآذَاهَا وَيَصِيرُوا إِلَى جَنَّتِي وَكَرَامَتِي وَأَمَّا الْخَامِسَةُ فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ غَفَرَ لَهُمْ جَمِيعًا فَقَالَ رَجُلٌ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: أَلَمْ تَرَ إِلَى الْعُمَّالِ إِذَا فَرَّغُوا مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَقُؤُوا»^۱

به امت من در ماه رمضان پنج چیز داده شده که به امت هیچ پیغمبری پیش از من داده نشده است:

۱. هرگاه شب اول ماه رمضان فرا رسد، خداوند به سوی آنان نظر می‌کند و کسی که خدا به او نظر کرده، هرگز او را عذاب نمی‌کند.
۲. بوی بد دهان آنان به هنگام غروب در نزد خدا خوشبوتر از بوی مشک است.
۳. ملائکه برای ایشان در شب و روز استغفار می‌کنند.

۱. بحار الانوار؛ ج ۹۶، ص ۳۶۷.

۴. خداوند بلند مرتبه، به بهشتِ خویش امر می‌کند که برای بندگان من استغفار نموده و خود را برای آنان تزیین کن؛ پس چه نزدیک است که سختی‌های دنیا، آنها را [در خود فرو] برد و به سوی بهشت و کرامت من بروند.

۵. هرگاه شب آخر فرا رسد، خداوند همه آنان را می‌آمرزد.

ارزش روزه در روایت معراج

در شبی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به معراج رفتند، از جمله مطالبی که خداوند خطاب به آن حضرت فرمودند، مطالب زیر بود:

يَا أَحْمَدُ! إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءَ، تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ فَإِنَّ طَيِّبَتَ مَطْعَمَكَ وَ مَشْرَبَكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَ كُنْفِي:

ای احمد! عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن، طلب مال حلال است. پس اگر خوردنی و آشامیدنی خود را پاک و پاکیزه نمایی، همواره تحت حفاظت و در کنف عنایت من خواهی بود.

برای عبادت و بندگی خدا، باید روزی انسان حلال باشد. اگر روزی که قوام زندگی به آن است، از راه حرام و معصیت خدا تأمین گردد، چگونه انسان می‌تواند به خدا تقرب جوید؟ سخن که به اینجا می‌رسد، پیامبر سؤال می‌کند:

يَا رَبِّ وَ مَا أَوَّلُ الْعِبَادَةِ؟ قَالَ: أَوَّلُ الْعِبَادَةِ الصَّمْتُ وَ الصَّوْمُ؟:

پروردگارا، شروع و آغاز عبادت به چیست؟ خداوند می‌فرماید: آغاز و شروع عبادت به سکوت و روزه است.

اگر می‌خواهید در راه بندگی خدا قدم بردارید و راهی را پیش گیرید که سرانجام آن قرب الهی و مقام عالی انسان است، باید از سکوت و روزه داری آغاز کنید و این دو اولین قدم در راه عبادت و بندگی خدا و تکامل انسان است. تا مادامی که زبان آزاد است و انسان از گفتن هر چیزی باکی ندارد، به جایی نمی‌رسد و نیز اگر شکمش را آزاد بگذارد، به مانند حیوانی است که تنها به علف می‌اندیشد.

قَالَ يَا رَبِّ وَمَا مِيرَاثُ الصَّوْمِ؟ قَالَ: الصَّوْمُ يُورِثُ الْحِكْمَةَ وَالْحِكْمَةُ تُورِثُ
الْمَعْرِفَةَ وَالْمَعْرِفَةُ تُورِثُ الْيَقِينَ.

پیامبر اکرم عرض کرد: خداوندا میراث و ره آورد روزه چیست؟

خداوند متعال فرمود: میراث روزه، حکمت است و میراث حکمت، معرفت و میراث معرفت، یقین است.

بیان خداوند در این حدیث، بر گرفته از بهترین روش تربیتی است که وقتی می‌خواهند کسی را به تهذیب اخلاق و انجام کارهای خوب وادارند، ثمرات و منافع آن کار را بر می‌شمارند و الا صرف دستور به انجام کار، انگیزه قوی بر انجام آن را در انسان پدید نمی‌آورد. انگیزه زمانی پدید می‌آید که فایده و منافع آن کار مشخص گردد.^۱

صائمین چه کسانی هستند؟

اقسام روزه:

سه نوع روزه: ۱. روزه عام؛ ۲. روزه خاص؛ ۳. روزه خاص‌الخاص.

روزه عام: همان روزه‌ای است که عموم مردم می‌گیرند؛ نمی‌خورند و نمی‌آشامند. بنابراین روزه عام روزه‌ای است که انسان تنها از اموری که روزه را باطل می‌کند، خودداری می‌نماید. (مبطلات روزه)

روزه خاص: روزه‌ای است که روزه‌دار افزون بر اینکه از خوردن و آشامیدن خودداری می‌کند، اعضاء و جوارحش هم روزه دارد. سحر که بیدار می‌شود، نیت می‌کند: خدایا با همه اعضاء و جوارح روزه می‌گیرم؛ گوشم غیبت نمی‌شنود، زبانم غیبت نمی‌کند و..... .

۱. راهیان کوی دوست؛ ص ۲۰۳ (شرح حدیث معراج از حضرت آیت‌الله مصباح یزدی).

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصَرُكَ وَشَعْرُكَ وَجِلْدُكَ وَعَدَدَ أَشْيَاءَ غَيْرَ هَذَا وَقَالَ لَا يَكُونُ يَوْمٌ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ^۱

وقتی روزه می‌گیری، باید گوش تو هم روزه باشد (از گناهان مربوط به گوش، مثل گوش دادن به غیبت، موسیقی حرام و... جداً پرهیز شود) چشمت هم باید روزه باشد، پوستت هم باید روزه باشد؛ موی سرت هم باید روزه داشته باشد.

روزه خاص‌الخاص:

این روزه، روزه‌ای است که قلب او هم روزه‌دار باشد و غیر از خدا کسی را در دل و قلب خود راه ندهد. اگر در ماه رمضان، همه کارها برای خدا باشد؛ روزه خاص‌الخاص تحقق می‌یابد و از این رو در دعای این روز از خداوند می‌خواهیم که روزه ما را روزه خاص‌الخاص قرار دهد.

فقره دوم دعا

وَقِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ:

و اقامه نمازم را مانند نماز گزاران واقعی مقرر فرما.

قائمین چه کسانی هستند؟

همان‌طور که روزه بر سه قسم می‌شود، نماز هم بر سه قسم می‌شود:
 ۱- نماز عام ۲- نماز خاص ۳- نماز خاص‌الخاص

۱. نماز عام:

نمازی است که دارای مقدمات^۱ و مقارنات^۲ باشد و شخص نماز گزار مبطلات نماز را انجام ندهد.

۱. کافی؛ ج ۴، ص ۸۷.

۲. نماز خاص:

نمازی است که علاوه بر موارد فوق، تمامی شرایط قبولی نماز را داشته باشد، مانند: تقوا، معرفت و آداب کمالیه ظاهری مثل اذان و اقامه، نماز اول وقت و جماعت، مسواک زدن قبل از نماز و... و در مقابل، موانع قبولی نماز مانند: بخل، حسد، کینه، غیبت و... را نداشته باشد.

چند روایت در فضیلت رعایت آداب نماز

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

ثَلَاثٌ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِنَّ مَا أَخَذْنَ إِلَّا بِسَهْمَةٍ حَرِصًا عَلَى مَا فِيهِنَّ مِنَ الْخَيْرِ وَ
الْبِرَّةِ: التَّذِينُ بِالصَّلَاةِ وَالتَّهَجِيرُ بِالْجَمَاعَاتِ وَالصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ الصُّبْحِ^۳

سه چیز است که اگر مردم آثار آن را می دانستند، به دلیل حریص بودن به خیر و برکتی که در آنها هست، به قرعه متوسل می شدند:

۱. اذان نماز؛ ۲. شتاب به نماز جماعت؛ ۳. نماز در صف اول.

حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «کسی که نماز با اذان و اقامه بخواند، دو صف از ملائکه پشت سرش نماز می خوانند و کسی که نماز بخواند با اقامه بدون اذان، پشت سرش یک صف از ملائکه نماز می خوانند. راوی پرسید که مقدار هر صفی چقدر است؟ فرمود: اقلش ما بین مشرق و مغرب و اکثرش ما بین زمین و آسمان است»^۴.

آثار نماز جماعت

سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ لِأَوَّلِ وَقْتِهَا.

۱. مقدمات: ۱. طهارت؛ ۲. پوشش؛ ۳. بر طرف کردن نجاست از بدن؛ ۴. وقت نماز؛ ۵. شناخت قبله؛ ۶. مکان نمازگزار (پاکی، مباح بودن، سکون و...).

۲. مقارنات یا واجبات نماز: ۱. قیام؛ ۲. نیت؛ ۳. تکبیرة الاحرام؛ ۴. قرائت؛ ۵. رکوع؛ ۶. سجود؛ ۷. تشهد؛ ۸. سلام؛ ۹. ترتیب؛ ۱۰. موالات؛ ۱۱. صحت تلفظ قرائت و اذکار نماز؛ ۱۲. طمأنینه.

۳. کنز العمال، ح ۴۳۲۳۵.

۴. نواب الاعمال؛ ص ۵۴، ح ۲.

از پیامبر ﷺ پرسیدند بهترین اعمال چیست؟ فرمودند: نماز اول وقت، افضل اعمال است.

نماز خاص الخاص: نمازی است که افزون بر موارد فوق، قلب نمازگزار هم متوجه حضرت حق باشد. حضور قلب مراتبی دارد و حداقل آن این است که نمازگزار بداند با چه کسی راز و نیاز می‌کند و با چه کسی سخن می‌گوید و مرتبه عالی آن این است که از همه چیز، غیر از خداوند، غافل باشد و فقط خدا را می‌بیند و هیچ چیز را در اطراف خود حس نمی‌کند.

در یکی از جنگ‌ها تیری به پای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرو رفته بود و بیرون آوردن آن ممکن نمی‌شد. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: آن را در حال نماز از پای حضرت بیرون آورید؛ زیرا در آن حال، آنچه را بر او می‌گذرد، احساس نمی‌کند. بر اساس سفارش فاطمه علیها السلام هنگامی که امام مشغول نماز بود، تیر را از پایش بیرون کشیدند و حضرت متوجه درد نمی‌شود.^۱

۱. محجة البیضاء؛ ج ۱، ص ۳۹۷.

زینت درگه معبود، نماز است نماز
 شرع را مقصد و مقصود نماز است نماز
 بود طاعت همه از بود نماز است نماز
 شرط اول که دهد سود نماز است نماز
 تحفه بر حضرت معبود نماز است نماز
 گفت عز و شرف و جود نماز است نماز
 گفت تکبیر به معبود نماز است نماز
 گفت تکبیر به معبود نماز است نماز
 آنچه حق از همه بستود نماز است نماز
 قاضی شاهد و مشهود نماز است نماز
 عقل یکباره بفرمود: نماز است نماز
 به بشر آنچه دهد سود نماز است نماز^۱

سبب عزت موجود، نماز است نماز
 بی نماز از نظر لطف خدا محروم است
 کورکورانه مکن زهد و ورع، جود و سخا
 روز و شب گر به حسین بن علی گریه کنی
 پیش سلطان همه کس هدیه لایق ببرد
 شاه عطشان که جهان عاشق و دیوانه‌ی اوست
 نفس باز پسین بست چو قامت به نماز
 به پیمبر چو خدا امر به معراج نمود
 به نماز عذر نباشد چو به تن جان داری
 نزد میزان عمل موقع دیوان حساب
 گفتم ای عقل زطاعت همگی افضل چیست
 به کریمی خدا غره مشو ای عاقل

ترک نماز موجب عذاب الهی:

تارک نماز اگر می‌خواهد وضع وخیم و تهیدستی خود را در روز رستاخیز
 مجسم کند، به این آیه توجه کند که وقتی دوزخیان مورد پرسش قرار می‌گیرند: «چه
 چیز شما را در دوزخ انداخت؟
 گویند: از نماز گزاران نبودیم و اطعام مسکین نکردیم و با اهل باطل نشستیم و
 روز قیامت را تکذیب کردیم».^۲
 نماز، یاد خدا و بالاترین ذکر اوست. نشانه ایمان، سیمای مکتب و ستون دین
 است. از این رو ترک نماز از روی عمد، از گناهان کبیره شمرده شده و در بعضی
 روایات از تارک نماز با عنوان «کافر» تعبیر شده (منظور کسی است که از روی انکار
 نماز نخواند).

۱. حسین کریمی مراغه‌ای؛ آمال الواعظین؛ ج ۱، ص ۴۹.

۲. مدثر: ۴۰ - ۴۶.

توجه به این نکته لازم است که منشأ این تنبلی‌ها و سهل‌انگاری‌ها، آلودگی انسان به گناهان و معاصی است و گرنه قلبی که معتقد به حضرت حق بوده و آلوده به معصیت نباشد، هرگز نماز را ترک نمی‌کند؛ زیرا می‌داند که ترک نماز؛ یعنی قطع رابطه با خدا.

بعضی از تارکین نماز در پاسخ به این سؤال که چرا نماز نمی‌خوانید؟ می‌گویند: «خدا ارحم الراحمین است و می‌بخشد!».

روشن است که این قبیل جواب‌ها، مغالطه شیطانی بیش نیست. حقیقت این است که آنها خود را بی‌نیاز از بندگی آن غنی بالذات می‌دانند.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: کسی که نمازش را [عمداً] ترک کرده و امید به ثواب آن نداشته باشد و از عقاب آن نیز نترسد، من هم باکی ندارم از اینکه بگویم او یهودی یا نصرانی و یا مجوسی از دنیا می‌رود.^۱

تارک الصلوه:

تارکین نماز به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. ترک نماز از روی انکار: یعنی نماز را که یکی از ضروریات دین است، واجب ندانسته و خود را موظف و مکلف به انجام آن نمی‌داند؛ چنین شخصی کافر است.

۲. ترک نماز از روی سهل‌انگاری و بی‌توجهی: این قبیل افراد با ترک نماز، مرتکب گناه کبیره شده و فاسق می‌گردند.

۳. ترک نماز در بعضی اوقات: این اشخاص در اثر ضعف ایمان و بی‌توجهی به آخرت، گاهی نماز خوانده و گاهی ترک می‌کنند و یا اینکه نماز را در وقتش به جا نمی‌آورند. اینان هرچند مانند دو قسم دیگر نیستند؛ ولی از روایات این‌گونه استفاده می‌شود که از ضایع‌کنندگان نمازند.

چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «هیچ عملی به پیشگاه خداوند محبوب‌تر از نماز نیست؛ پس چیزی از امور دنیا، شما را از خواندن نماز اول وقت باز ندارد؛ زیرا خداوند تعالی مذمت نموده قومی را و فرموده: وای بر آن نمازگزارانی که از

۱. میزان الحکمه؛ ج ۵، ص ۴۳۰.

نمازشان غفلت کنند و در انجام آن در اول وقت مسامحه ورزند و عمداً تأخیر اندازند»^۱.

۴. ترک واجبی از واجبات نماز: یعنی نماز می‌خواند؛ اما نه به طور صحیح و با حفظ شرایط قبولی؛ بلکه نمازی که در لباس یا مکان غصبی خوانده شده و یا قرائت و اذکار واجبی را غلط می‌خواند. از ظاهر روایات چنین احتمال می‌رود که این قبیل افراد نیز از ضایع کنندگان نماز به شمار می‌روند.

رسول خدا ﷺ فرمود:

«دزدترین دزدها کسی است که از نمازش بدزدد. گفته شد یا رسول الله! چگونه از نمازش می‌دزدد؟»

فرمود: رکوع و سجود آن را تمام انجام نمی‌دهد»^۲.

طبق آنچه گفته شد، نماز نشانه اسلام است. اگر کسی عمداً آن را ترک کند، از دایره اسلام خارج شده و قطعاً به آتش دوزخ، گرفتار خواهد آمد.

عواقب سبک شمردن نماز:

بسیاری از مردم گرفتاری‌هایی دارند که سخت حیران‌اند چرا برطرف نمی‌شود؟ بارها می‌پرسند چرا مال ما بی‌برکت است و یا چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ برای چه آثار اجر و پاداش اعمال خود را مشاهده نمی‌کنیم؟ چرا حتی از بزرگان و مقربان درگاه الهی درخواست دعا و شفاعت کردیم؛ ولی مفید واقع نشد؟ و... باید توجه داشت که گره کور اکثر این گرفتاری‌ها، با مهم شمردن نماز باز می‌شود.

روزی فاطمه زهرا عليها السلام از پدر گرامی خویش سؤال کرد: پدرجان! مردان و زنانی که نماز خود را سبک می‌شمارند، چه عذاب و عقوبتی دارند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دخترم! هر زن و مرد مسلمانی که نماز خود را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده بلا گرفتار می‌کند: شش بلا در دنیا، سه بلا هنگام مرگ، سه بلا در عالم قبر و سه بلای دیگر هنگامی که روز قیامت از قبر برانگیخته می‌شود.

۱. وسائل الشیعه؛ ج ۳، ص ۸۲.

۲. مستدرک الوسائل؛ ج ۱، ص ۱۷۲.

اما شش بلا در دنیا:

يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَاتِ مِنْ عُمْرِهِ؛ وَيَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَاتِ مِنْ رِزْقِهِ؛ وَمَحُوَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ
سَيِّمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ؛ وَكُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُؤْجِرُ عَلَيْهِ؛ وَلَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى
السَّمَاءِ؛ لَيْسَ لَهُ حِطٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ:

۱. خداوند برکت را از عمرش بر می‌دارد.
۲. و خداوند برکت را از روزی او بر می‌دارد.
۳. و خداوند سیمای [نورانی] صالحان را از چهره او محو می‌کند.
۴. و هر عملی که انجام می‌دهد پاداش داده نمی‌شود.
۵. و دعای او به سوی آسمان بالا نمی‌رود (و مستجاب نمی‌شود).
۶. برای او بهره‌ای در دعای صالحان نیست (دعای خوبان شامل او نمی‌شود).

و سه بلا در موقع جان‌دادن:

أَنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا؛ يَمُوتُ جَائِعًا؛ يَمُوتُ عَطْشَانًا فَلَوْ سَقِيَ مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْيَا لَمْ يَرَوْ
عَطْشَهُ:

۱. ذلیل می‌میرد.
۲. گرسنه می‌میرد.
۳. تشنه می‌میرد. هر چند از تمام نهرهای دنیا او را سیراب کنند، تشنگی‌اش برطرف نمی‌شود.

و سه بلا در قبر:

يُؤَكِّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يُزْعِجُهُ فِي قَبْرِهِ؛ يُضَيِّقُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ؛ تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ:

۱. خداوند، ملکی را مقرر می‌کند تا او را در قبر آزار دهد.

۲. قبرش بر او تنگ خواهد بود.

۳. تاریکی در قبرش خواهد شد.

و سه بلا در روز قیامت دامنگیر او خواهد شد:

أَنْ يُوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَسْحَبُهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ؛ يُحَاسِبُ حِسَابًا شَدِيدًا؛ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَلَا يُزَكِّيهِ وَلَا لَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛

۱. خداوند ملکی مأمور می کند او را با صورت بکشد.

۲. حسابرسی شدیدی می شود.

۳. خداوند به او نظر [رحمت] نمی کند و او را پاکیزه نمی سازد و برای او عذاب دردناکی است.^۱

توجه شود آمار بی نمازی و بدنمازی در جامعه در حد نامطلوبی قرار دارد. توضیح دادن درباره این روایت در وادار کردن مردم به نماز بسیار مفید است.

رسول گرامی اسلام ﷺ به اصحاب خود فرمودند:

«أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَكْسَلِ النَّاسِ وَ أَبْخَلِ النَّاسِ وَ أَسْرَقِ النَّاسِ وَ أَجْفَىٰ النَّاسِ وَ أَعْجَزِ النَّاسِ قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ اللَّهُ فَقَالَ أَكْسَلُ النَّاسِ عَمْدٌ [عَبْدٌ صَحِيحٌ] فَارِعٌ لَا يَذْكُرُ اللَّهَ بِشَفَّةٍ وَ لَا لِسَانَ وَ أَبْخَلُ النَّاسِ رَجُلٌ اجْتَاَزَ عَلَيَّ مُسْلِمٌ فَلَمْ يُسَلِّمْ عَلَيْهِ وَ أَمَّا أَسْرَقُ النَّاسِ فَرَجُلٌ يَسْرِقُ مِنْ صَلَاتِهِ تَلْفٌ كَمَا تَلْفُ الثَّوْبُ الْخُلُقُ فَتَضْرِبُ بِهَا وَجْهَهُ وَ أَجْفَىٰ النَّاسِ رَجُلٌ ذُكِرَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ وَ أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ»^۲

آیا شما را راهنمایی نکنم به کسل ترین، بخیل ترین، دزدترین، ستمگرترین و عاجزترین مردم؟

اصحاب عرض کردند: بله یا رسول الله.

حضرت فرمود: کسل ترین مردم بنده سالم و آسوده خاطر نیست که زبان و لبانش ذکر خدا نمی گوید.

بخیل ترین مردم کسی است که بر مسلمانی بگذرد و سلام نکند.

۱. علی رضا صابری؛ الحكم الزاهره؛ ج ۱، ص ۱۴۵؛ بحار الانوار؛ ج ۸۰، ص ۲۱ و فلاح السائل؛ ص ۱۹.

۲. إرشاد القلوب إلى الصواب؛ ج ۱، ص ۸۰.

دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد؛ مانند پارچه‌ای کهنه نمازش را درهم می‌پیچد. پس فرشتگان آن نماز را برمی‌گردانند و به صورتش می‌زنند.

ستم‌کارترین مردم، بنده‌ای است که نام من در برابرش برده شود و بر من صلوات نفرستد.

عاجزترین مردم، کسی است که از دعا کردن عاجز باشد.

فقره سوم دعا

وَنْبَهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ:

و مرا از خواب غافلان، بیدار و هوشیار ساز!

و در این روز اول ماه رمضان مرا از خواب غفلت بیدار نما تا سعی کنم روزه و نمازی که موجب رستگاری است، انجام دهم.

این یکی از دعاهای خوبی است که دائماً باید بر آن مداومت داشت. قبل از اینکه خواب غافلین مورد بررسی قرار گیرد، اقسام خواب در روایات بیان می‌گردد:

اقسام خواب در روایات

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: خواب اقسامی دارد:^۱

۱. خواب غفلت: خوابیدن در مجلس پند و یادآوری (مجلس موعظه) است. یکی از موارد خواب غفلت، خواب در وقت سحر است. پس گویا در این فقره از دعا، از خداوند مسئلت می‌طلبیم که ما را از این خواب بیدار کند و در این وقت پر برکت، در این ماه شریف، به برکت بیداری در سحر و مناجات و استغفار در آن ساعت، در زمزمه آمرزیده‌شدگان قرار گیریم.
۲. خواب بدبختی: خوابیدن در وقت نماز است.

۱. حلیه المتقین، علامه مجلسی، ص ۱۷۰.

۳. خواب کسالت: خواب بعد از طلوع آفتاب است که انسان را کسل می‌کند (سبب خستگی در طول روز و عدم پیش‌برد کارها می‌گردد).

۴. خواب لعنت: خواب بین الطلوعین، بدون خواندن نماز صبح است. از فجر (اذان صبح) تا طلوع آفتاب که مدموم می‌باشد و سبب کم‌شدن رزق و روزی می‌شود.

در روایات از خوابیدن قبل از طلوع آفتاب، بسیار نهی شده و مکروه است. چهار وقت در شبانه‌روز از بهترین اوقات است و دعا در آن وقت مستجاب است.

یکی از این چهار وقت، آغاز روز می‌باشد که اول طلوع فجر است. در روایت آمده: نماز صبح از میان نمازها این امتیاز را دارد که ملائکه شب و ملائکه روز آن را مشاهده می‌کنند؛ زیرا اگر در اول وقت اداء شود، دقیقاً در لحظه‌ای انجام شده که ملائکه شب، جای خود را به ملائکه روز می‌دهند و هر دو گروه از فرشتگان، شاهد اقامه آن خواهند بود. بنابراین نماز صبح که در اول وقت خوانده شود، در دو پرونده ثبت می‌شود.^۱ و کسی که در اول وقت نماز صبح نمی‌خواند، از این فیض بزرگ محروم مانده است.

۵. خواب نعمت (قیلوله): خواب قبل از ظهر تا اذان ظهر است. این خواب مستحب است و در آن وقت اگر کسی خوابی ببیند، دروغ نمی‌شود.

۶. خواب رخصت یا راحت: (خوابی که اجازه داده شده): خوابیدن بعد از نماز عشا است.

۷. خواب حسرت: خوابیدن در شب جمعه است. (شب جمعه، شب احیاء و شب زنده‌داری است و فیوضات و برکات زیادی در این شب بین بندگان خدا منتشر می‌گردد و اگر کسی در این ساعت خواب باشد، از آن بی‌بهره می‌ماند).

۸. خواب شقاوت: خواب اول شب در حالی که نماز مغرب و عشاء را نخوانده باشد.

چنان‌که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است: خوابیدن بین الطلوعین و بین العشائین (بین نماز مغرب و عشاء) موجب پریشانی و فقر می‌شود.^۲

۹. خواب حماقت: خواب آخر روز (بعد از ظهر) است که موجب بیماری و کمی حافظه می‌شود و کراهت دارد.

۱. وسایل شیعہ ج ۳ ص ۱۵۶. بحارج ۸ ص ۷۳.

۲. حلیه المتقین، ص ۱۶۹.

عوامل غفلت

غفلت مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که غفلت از خدا، معاد و قیامت، ناپایداری دنیا، غفلت از شیطان و وسوسه‌های او (افتادن در دام او) را در بر می‌گیرد و در یک بیان کلی، غفلت از تمام اموری که به نوعی با سعادت انسان ارتباط دارد.

۱. جهل و نادانی:

غفلت و بی‌خبری سرچشمه‌های زیادی دارد که نخستین عامل آن، جهل و ناآگاهی است.

شناخت‌نداشتن مقام پروردگار، بی‌توجهی به مسئله قیامت، ناآگاهی نسبت به بی‌اعتباری مال و مقام و ثروت دنیا، بی‌خبری از وسوسه‌های شیطان و شیطان‌صفتان، از مهم‌ترین عوامل غفلت است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«إِنَّ مَنْ عَرَفَ الْإِيَّامَ لَمْ يَغْفَلْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ»^۱ کسی که وضع روزگار [و بی

اعتباری دنیا] را بداند، از آمادگی برای سفر آخرت غافل نمی‌شود.

۲. غرور و خودبینی:

غرور یکی دیگر از عوامل غفلت و گاه ناشی از غفلت است؛ زیرا انسان مغرور تنها پیروزی‌های خود را می‌بیند و به امتیازهای خود می‌بالد و گاه همه اینها را جاودان می‌پندارد و همین امر سبب غفلت او از واقعیت‌ها می‌گردد. این غفلت، عامل مؤثری برای شکست او خواهد شد.

در طول تاریخ افراد زیادی دیده شده که بر اثر غرور، در دام غفلت گرفتار و نتوانستند در برابر دشمنان مقاومت کنند و ضربات دشمن، آنها را از پای درآورده است.

۳. مستی نعمت:

مستی نعمت که شباهت زیادی با غرور دارد؛ اما در واقع چیزی جدای از آن است نیز، انسان را در گرداب غفلت می‌افکند.

۱. میزان الحکمه؛ ج ۳، حدیث ۱۵۱۸۹، باب الغفلة.

هنگامی که افراد کم ظرفیت خود را در ناز و نعمت دیدند، گویی مست می‌شوند و مستی، آنها را در غفلت از واقعیت‌های پیرامون، فرو می‌برد و این بی‌خبری و غفلت ادامه می‌یابد تا سرانجام سیلی اجل، در صورت او نواخته شود و بیدارش کند. همان‌گونه که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند:

«مَنْ غَفَلَ عَنْ حَوَادِثِ الْآيَامِ آيَقَضَهُ الْحَمَامُ»^۱ کسی که از حوادث روزگار غافل شود، مرگ او را بیدار خواهد کرد.

۴. عافیت و سلامت جسمانی:

عافیت و سلامت، گرچه از نعمت‌های بزرگ خداست؛ ولی می‌تواند یکی از عوامل غفلت نیز باشد. به همین دلیل یکی از الطاف خفیه الهی آن است که گاهی عافیت و سلامت را از انسان می‌گیرد و او را به درد و رنج مبتلا می‌سازد تا پرده‌های غفلت از برابر چشم‌های او کنار رود و واقعیت‌ها را با چشم دل ببیند و آمادگی برای واکنش مناسب در برابر آنها پیدا کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام عیادت از جناب سلمان فارسی در فواید و برکات بیماری فرمودند:

در موقع بیماری نعمت‌هایی نصیب می‌شود، از جمله آنها این است که: تو به یاد خدا می‌افتی و پرده‌های غفلت کنار می‌رود و به همین دلیل دعای تو به اجابت می‌رسد.^۲

۵. آرزوهای طولانی:

یکی دیگر از عوامل غفلت، آرزوهای دراز و دست نیافتنی است؛ زیرا تمام فکر انسان را مشغول و از سایر امور غافل می‌سازد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه معروف به دیباج می‌فرمایند:

«وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ الْأَمَلَ يَذْهَبُ الْعَقْلَ وَيُكْذِبُ الْوَعْدَ وَيَحِثُّ عَلَى الْغَفْلَةِ وَ يُورِثُ الْحَسْرَةَ»^۳ بدانید ای بندگان خدا! آرزوهای دراز، عقل انسان را می‌برد

۱. شرح فارسی غررالحکم؛ ج ۷، ص ۲۹۶.

۲. بحارالانوار؛ ج ۷۴، ص ۶۰.

۳. همان؛ ص ۲۹۳.

و وعده قیامت را دروغ می‌شمارد و انسان را بر غفلت ترغیب می‌کند و سرانجام، حسرت به بار می‌آورد.

پیامدهای غفلت

غفلت و بی‌خبری از خدا و روز جزا و سرنوشت انسان و بی‌مهری زمانه و آثار سوء گناه، همه چیز انسان را به سیلاب فنا و نیستی سپرده و باعث خسارت‌های جبران‌ناپذیری می‌گردد که در بیانات معصومین علیهم‌السلام اشارات پرمعنایی به آن شده است از جمله:

۱. قساوت قلب:

سنگدلی و قساوت قلب نتیجه غفلت و دوری از معارف الهی است؛ زیرا عامل مهم لطافت روح و انعطاف قلب در برابر حق، یاد خداست. هنگامی که ریزش باران رحمت ذکر الهی، از سرزمین دل قطع شود، قلب او به صورت بیابانی خشک، سوزان و سنگلاخ در می‌آید.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

«إِيَّاكَ وَالْغَفْلَةَ فَيَفِيهَا تَكُونُ قَسَاوَةً الْقَلْبِ»^۱ از غفلت پرهیز که مایه سنگدلی است.

۲. مرگ قلب:

غفلت، قلب انسان را می‌میراند؛ یعنی پس از قساوت و سنگدلی، مرگ قلب فرا می‌رسد. به گونه‌ای که دیگر مواعظ و اندرزها تأثیری در آن نمی‌کند. در چنین حالتی، راه بازگشت به روی او بسته می‌شود و امیدی برای سعادت او باقی نمی‌ماند.

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«مَنْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الْغَفْلَةُ مَاتَ قَلْبُهُ»^۲

کسی که غفلت بر او چیره شود، قلبش می‌میرد.

۱. همان؛ ج ۷۵، ص ۱۶۴.

۲. شرح فارسی غرر الحکم؛ ج ۵، ص ۲۹۳.

در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است:

«بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الْمَوْعِظَةِ حِجَابٌ مِنَ الْغَفْلَةِ وَالْغُرَّةِ»^۱ میان شما و موعظه و اندرز، حجابی از غفلت و غرور است.

۳. فساد اعمال:

غفلت موجب فساد اعمال انسان می‌شود. افراد غافل و بی‌خبر به سراغ اعمال صالح کمتر می‌روند و اگر هم بروند، غفلت اجازه نمی‌دهد که اعمال خالص با حضور قلب و جامع تمام شرایط و اجزا، برای خدا انجام دهند.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

«إِيَّاكَ وَالْغَفْلَةَ وَالْإِغْتِرَارَ بِالْمُهْلَةِ فَإِنَّ الْغَفْلَةَ تَفْسِدُ الْأَعْمَالَ»^۲ از غفلت و

غرور ناشی از مهلت الهی بپرهیز؛ زیرا غفلت، اعمال آدمی را فاسد می‌کند.

این احتمال نیز در تفسیر این حدیث وجود دارد که منظور فساد اعمال گذشته انسان به دلیل غفلت‌های آینده است؛ زیرا غفلت موجب گناه است و گناه موجب حبط اعمال.

۴. دوری از خداوند:

غفلت، آمادگی لقای پروردگار و گام‌نهادن در بساط قرب او را از انسان می‌گیرد؛ زیرا وصول به این مقام والا، جز در سایه معرفت و آگاهی امکان‌پذیر نیست. در یکی از مناجات‌های امیرمؤمنان علی علیه السلام که مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار نقل کرده است، به این موضوع اشاره نموده است:

«الهِیَ اِنْ اُنَامَتْنِی الْغَفْلَةُ عَنِ الْاِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ نَبَّهْتَنِی الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ الْاَلَيْكَ»؛ پروردگار! اگر غفلت، مرا به خواب فرو برده و استعداد لقای تو را از من گرفته، معرفت و شناخت نسبت به کرم تو و نعمت‌هایت مرا از این خواب غفلت بیدار ساخته است.

۱. همان؛ ج ۳، ص ۲۶۸.

۲. همان؛ ج ۲، ص ۳۱۲.

این جمله بخشی از مناجات معروف شعبانیه است که طبق گفته مرحوم علامه مجلسی رحمته الله، مناجاتی است که علی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام در ماه شعبان با آن، با خدا راز و نیاز می‌کردند.^۱

۵. هلاکت انسان:

غفلت سبب هلاکت در دنیا و آخرت است؛ زیرا انسان را از مصالح او (اعم از مادی و معنوی) بی‌خبر می‌سازد و با این بی‌خبری، فرصت‌ها را از دست می‌دهد، امکانات را ضایع کرده و استعدادهای خویش را بر باد خواهد داد. در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است:

«مَنْ طَالَتْ غَفْلَتُهُ تَعَجَّلَتْ هَلَكِيَّتُهُ»^۲ کسی که غفلتش طولانی شود، هلاکت او به سرعت فرا می‌رسد.

نشانه‌های غفلت

ممکن است این مسئله برای بسیاری از مردم، مورد شک و تردید واقع شود که آیا واقعاً در صف غافلانند یا نه؟ پس لازم است تا پویندگان راه خدا و سالکان سیل الی‌الله، در هر مرحله خود را بیازمایند تا مبدا در صف غافلان باشند؛ بنابراین باید به علائم و نشانه‌های غفلت توجه کنیم تا ناخواسته در دام آن گرفتار نشویم.

در روایات اسلامی علائم و نشانه‌های فراوانی برای غافلان ذکر شده است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. ندیدن حقایق و فراموشی:

در حدیث مشروحی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، در پاسخ شمعون بن لایوی یکی از مسیحیان معروف زمان خود آمده است، هنگامی که شمعون از علائم غافلان از حضرتش سؤال کرد، ایشان در جواب فرمودند:

«أَمَّا عَلَامَةُ الْغَافِلِ فَارْبَعَةٌ الْعَمَى وَالسَّهْوُ وَاللَّهُوُ وَالنَّسْيَانُ»^۳ نشانه‌های غافل چهار چیز است: الف) نابینایی [بستن چشم بر روی حقایق]؛ ب) سهو؛ ج) لهو؛ د) نسیان و فراموشی.

۱. بحارالانوار؛ ج ۹۱، ص ۹۶ - ۹۹.

۲. شرح فاسی غررالحکم؛ ج ۵، ص ۲۷۲.

۳. بحارالانوار؛ ج ۱، ص ۱۲۲.

به گونه‌ای که گرفتار فراموش‌کاری و سردرگمی به شهوات و توجه‌نداشتن به سرنوشت آینده خویش می‌شود.

۲. همنشینی با فاسدان و مفسدان و دوری از مجالس عبادت:

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

«الْعَفْلَةُ تَرَكَ الْمَسْجِدَ وَطَاعَتِكَ الْمُفْسِدِ»^۱: غفلت آن است که مسجد را ترک کنی و از مفسد اطاعت نمایی.

۳. بی‌توجهی به عوامل هشداردهنده و بیدارکننده:

مثلاً هنگام عبور از قبرستان، فکر نمی‌کنند که ممکن است فردا جایگاهشان همین جا باشد. یا اگر در تشییع جنازه یکی از دوستان و آشنایان شرکت کنند، فراموش می‌کنند که روزی، دیگران او را هم تشییع کرده و در مراسم یادبودش شرکت می‌کنند.

در نهج البلاغه آمده است که حضرت علی علیه السلام در تشییع جنازه مؤمنی شرکت نموده بودند، ناگهان صدای بلند خنده کسی را شنیدند، حضرت علیه السلام ناراحت شدند و این گفتار حکیمانه را بیان فرمودند:

«كَانَ الْمَوْتُ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا كُتِبَ وَكَانَ الْحَقُّ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا وَجَبَ وَكَانَ
الَّذِي نَرَى مِنَ الْأَمْوَاتِ سَفْرٌ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ

نُبُوَّتُهُمْ أَجْدَاتُهُمْ وَنَاكُلُ تَرَاتُهُمْ كَأَنَّا مُخَلَّدُونَ بَعْدَهُمْ»^۲: گویی مرگ برای غیر ما مقرر شده و حق، [تنها] بر دیگران واجب شده است و گویی این مردگانی را که می‌بینیم [مثل] مسافران هستند، به زودی به سوی ما باز می‌گردند. سپس افزودند: ما آنها را در قبرشان می‌گذاریم و میراثشان را می‌خوریم، گویی بعد از آنها عمر جاودان داریم.

۱. همان؛ ج ۲۵، ص ۱۱۵.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۱۲۲.

۴. بیهوده گذراندن عمر:

انسان عمر خود را در اموری صرف کند که نه سودی در دنیا دارد و نه توشه‌ای برای آخرت.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند:

«كَفَى بِالرَّجُلِ غَفْلَةً أَنْ يُضَيِّعَ عُمُرَهُ فِي مَا لَا يُنْجِيهِ»^۱ برای غفلت انسان، همین

بس که عمر خود را در چیزی که مایه نجات او نیست، ضایع کند.

و در تعبیر دیگری از حضرت علیه السلام آمده است:

«كَفَى بِالْمَرْءِ غَفْلَةً أَنْ يَصْرِفَ هِمَّتَهُ فِي مَا لَا يَعْنِيهِ»^۲ برای غفلت انسان، همین

بس که عمر خود را در چیزی که مربوط به او نیست، صرف کند.

راه‌های درمان غفلت

۱. عبرت از تاریخ:

باید تاریخ را با دقت بررسی کرد. ایوان مدائن‌ها که آینه عبرتند، کاخ کسراها که ویرانه‌هایش با زبان بی‌زبانی با ما سخن می‌گویند و اهرام مصر که از فراغنه و سرنوشت آنها خبر می‌دهند و خلاصه اینکه باید در جای‌جای این جهان، از آثار باقی‌مانده پیشینیان دیدن کنیم و درس عبرت بگیریم.

قبور درهم‌شکسته نیرومندان دیروز و اسیران خاک امروز و یا پیرمردان و پیرزنانی را در نظر بگیریم که نه قدرت راه رفتن دارند و نه توان نشستن و نه حوصله سخن گفتن و به یاد آوریم که همه اینها روزی جوان و نیرومند و با نشاط بودند که جوانی و نیرویشان را به دست زمان سپرده‌اند. داستانی که خواه یا ناخواه برای ما نیز تکرار می‌شود.

به یقین هرچه درباره این موضوعات و تحول روزگار و جابجاشدن حکومت‌ها، قدرت‌ها، ثروت‌ها و عزت‌ها بیشتر بیاندیشیم، کمتر گرفتار غفلت خواهیم شد.

۱. شرح غرالحکم، جلد ۴، صفحه ۵۸۵.

۲. همان.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّ مَنْ عَرَفَ الْإِيَّامَ لَمْ يَغْفَلْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ»^۱ آن کس که وضع روزگار را بشناسد، از آمادگی [برای سفر آخرت] غافل نمی شود.

امام صادق علیه السلام چنین فرموده اند:

«أَغْفَلَ النَّاسَ مَنْ لَمْ يَتَعَطَّ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ»^۲ غافل ترین مردم کسی است که از تغییر و تحول روزگار از حالی به حال دیگر، پند و عبرت نگیرد.

۲. استمرار و دوام ذکر:

عامل مؤثر دیگر برای زدودن آثار غفلت، استمرار و دوام ذکر است؛ زیرا یاد خدا دل را بیدار می کند، روح را صفا می بخشد و چشم بصیرت را بینا می سازد و در پرتوی آن انسان، حقیقت حق را می بیند و بطلان باطل را درک می کند و قادر به تشخیص دوست و دشمن سعادت خود می شود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرمایند:

«بِدَوَامِ ذِكْرِ اللَّهِ تَنْجَابُ الْغَفْلَةِ»^۳

با استمرار یاد خدا، آثار غفلت زدوده می شود.

۳. نماز با حضور قلب:

ادای نماز در وقت مقرر و با حضور قلب و توجه به محتوای راز و نیاز و مناجات با خدا، قلب را صیقل داده و زنگار غفلت را از آینه روح می زداید. طبیعت زندگی دنیا، غفلت زاست که گاهی انسان را چنان به خود مشغول می سازد که همه چیز را فراموش می کند؛ حتی خویشتن خویش را. نماز فرصت بسیار خوبی برای بازنگری در اعمال و بازیافتن خویشتن خویش و نجات از چنگال اهریمن غفلت است.

۱. میزان الحکمه؛ ج ۳، ص ۲۲۸۵، ح ۱۵۱۸۹.

۲. بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۱۱۲.

۳. غرر الحکم؛ حدیث ۴۲۶۹.

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لِقَوْتِهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ»^۱ اگر هر فرد با ایمانی، نمازهای واجب را به موقع و به طور صحیح انجام دهد، از غافلان نخواهد بود.

۴. تفکر و اندیشه:

راه دیگر پیشگیری و درمان غفلت، تفکر و اندیشه است. هر گاه انسان به کارهای خوب و آثار مثبت آن و همچنین به کارهای بد و نتایج سوء آن بیندیشد، امواج ظلمانی غفلت از روح و جانش دور می‌شود.

روزی پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم خطاب به ابوذر فرمودند:

«يَا أَبَا ذَرٍّ! هُمْ بِالْحَسَنَةِ وَإِنْ لَمْ تَعْمَلْهَا لِيَكِي لَا تُكْتَبَ مِنَ الْغَافِلِينَ»^۲ ای ابوذر! تصمیم به کارهای نیک بگیر، هر چند توفیق عمل به آن برای تو حاصل نشود، تا در زمره غافلان نوشته نشوی.

فکر مرگ و پایان زندگی، از جمله افکاری است که در زدودن زنگار غفلت از آینه روح آدمی، بسیار مؤثر است. این فکر و اندیشه به یقین جلوی سرچشمه‌های اصلی غفلت را که هواپرستی، خودخواهی و فزون‌طلبی است، می‌گیرد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در یکی از وصایای خویش، به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمودند:

«أَيُّ بُنَى الْفِكْرَةِ تُورِثُ نُورًا وَالْغَفْلَةُ ظُلْمَةٌ»^۳ فرزندم! تفکر، نورانیت می‌بخشد و «غفلت»، ظلمت و تاریکی.

۵. تغییر محیط:

بسیاری از محیط‌ها، به طور طبیعی غفلت‌زاست. مجالس غافلین و بطالین (بیهوده‌کاران)، جلسات لهو و لعب، خانه‌های پر زرق و برق و اشرافی، انسان را به

۱. فروع کافی؛ ج ۳، ص ۲۷۰.

۲. میزان الحکمه؛ ج ۳، ح ۱۵۱۸۸.

۳. بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۲۳۷.

سوی غفلت می‌کشاند. حتی بسیاری از شهرها در دنیای امروز، مبدل به کانون غفلت و فساد شده است.

یکی از راه‌های رهایی از چنگال غفلت، ترک شرکت در این‌گونه جلسات و اماکن و هجرت از شهرهای آلوده به فساد است. در غیر این صورت رهایی از دیو غفلت بسیار مشکل است.

امام سجاد علیه السلام در دعای ابوحمزه، به هنگام مناجات با خدا در بیان یکی از عوامل سلب توفیق، عرضه می‌دارد:

«أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلْفَ مَجَالِسَ الْبَطَّالِينَ فَبَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي»؛ شاید مرا علاقمند به مجالس غافلین دیدی و مرا در میان آنها رها ساختی.

فقره چهارم دعا

وَهَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَأَعْفُ عَنِّي يَا عَافِيًا عَنِ الْمُجْرِمِينَ؛

و در این روز جرم و گناهم را ببخش ای خدای عالمیان و زشتی‌هایم را عفو فرما، ای عفوکننده از گناهکاران عالم.

وضعیت مجرمین در قیامت از منظر قرآن

خداوند برای تشویق انسان به حرکت در مسیر کمال و رفع موانع راه، روش‌هایی را در پیش گرفته است. یکی از این روش‌ها، بیان عواقب ناگوار نافرمانی خداوند و انحراف از مسیر دین است که در موارد متعددی در قرآن کریم به آن اشاره شده است.

۱. خداوند این‌گونه از سرنوشت مجرمان و گناهکاران، در روز قیامت خبر می‌دهد:

«سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ»^۱

به زودی کسانی که مرتکب گناه شدند [و مردم را از راه حق منحرف ساختند]، در مقابل مکر [و فریب و نیرنگی] که می‌کردند، گرفتار حقارت در پیشگاه خدا و عذاب شدید خواهند شد.

۱. أنعام: ۱۲۴.

۲. ثبت و ضبط تمامی گناهان و نافرمانی‌های گنهکاران و عجز آنها در انکار و فرارکردن از عواقب و جزای آن:

«وَوَضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أُخْصَاهَا وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»^۱ و کتابی [که نامه اعمال همه انسان‌هاست] در آنجا گذارده می‌شود؛ پس گنهکاران را می‌بینی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسان‌اند و می‌گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! و [این در حالی است که] همه اعمال خود را حاضر می‌بینند و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند.

۳. در آیه ۳۹ سوره مبارکه الرحمن می‌خوانیم:

«فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» در آن روز نه انسان از گناهش سؤال می‌شود و نه جن [و همه چیز روشن است].
و در ادامه، در آیه ۴۱ می‌خوانیم:

«يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ» مجرمین از چهره‌شان شناخته می‌شوند و موی سر و پاهایشان را می‌گیرند و در آتش می‌افکند.

این آیه در مقام پاسخ از پرسشی تقدیری است، گویا کسی می‌پرسد: خوب وقتی از گناه‌شان پرسش نمی‌شوند، پس از کجا معلوم می‌شود گنهکارند؟ در پاسخ فرموده: «مجرمین از سیمایشان شناخته می‌شوند...»، و منظور از سیما، نشانه‌ای است که از چهره مجرمین نمودار است.

۴. حالات و عذاب‌های گناهکاران در قیامت:

«وَأَيُّومَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ»^۲ و روزی که قیامت به پا شود، مجرمین مأیوس می‌گردند.

۱. کهف: ۴۹.

۲. روم: ۱۲.

«وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ»^۱ و در آن روز، مجرمان را با هم در غل و زنجیر می‌بینی! [که دست‌ها و گردن‌هایشان را به هم بسته است].

«هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ»^۲ این است آن جهنمی که گناهکاران، دروغ می‌پنداشتند، [یعنی نسبت دروغ می‌دادند و می‌گفتند جهنمی در کار نیست و دروغ است].

غرض از بیان آیات فوق که وصف حال مجرمان در قیامت می‌باشد، این است که بدانیم مجرمان و گناهکاران چه عذابی دارند و می‌دانیم که ما طاعت این عذاب را نداریم و اگر با وجود گناه بمیریم، مجرم هستیم و با توجه به آیات فوق، چه‌ها که بر سر ما می‌آید!! و به همین دلیل در این ماه پر برکت از خداوند متعال، در این فقره از دعای روز اول می‌خواهیم که از جرم و گناه ما بگذرد و همان‌گونه که فوج‌فوج گناهکاران تائب را می‌بخشد، ما را هم جزء آمرزیده‌شدگان درگاهش قرار دهد.

عفو و بخشودگی گناهان

عفو و بخشش خطاها و گناهان، از ناحیه خداوند غفور و مهربان، موضوعی است که در رشد شخصیتی انسان و رویکرد او به هنجارهای فردی و اجتماعی و گریز از ناهنجاری‌ها، بسیار مهم می‌باشد و بنابراین در اینجا به بعضی از عواملی که موجب پوشانده شدن گناهان و غفران و آمرزش آنها می‌شود، اشاره می‌کنیم.

عوامل بخشودن گناهان:

۱. **عقوبت دنیوی:** از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: «هنگامی که مؤمنی به سوی گناه روی آورد، خداوند او را به فقر مبتلا می‌سازد و این کفاره گناهان اوست، یا اینکه او را به بیماری مبتلا می‌سازد و یا اینکه او را دچار ترس از حاکمی ظالم می‌گرداند. یا هنگام مرگ، جان‌دادن را بر او سخت می‌کند تا اینکه خدا را ملاقات کند، در آن هنگام به او امر می‌شود به سوی بهشت برود»^۳.

۱. ابراهیم: ۴۹.

۲. الرحمن: ۴۳.

۳. بحارالانوار؛ ج ۸۱، ص ۱۹۹.

همچنین از امام رضا علیه السلام در مورد سخن خدای متعال که می‌فرماید: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ آنْسٌ وَلَا جَانٌ»^۱ سؤال شد؟ حضرت فرمود:

«إِنَّ مَنْ أَعْتَقَدَ الْحَقَّ ثُمَّ أَدْنَبَ وَ لَمْ يَتُبْ فِي الدُّنْيَا عَذَّبَ عَلَيْهِ فِي الْبَرْزَخِ وَ يُخْرَجُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَيْسَ لَهُ ذَنْبٌ يُسْأَلُ عَنْهُ»^۲ همانا کسی که عقایدش حق باشد و گناه کند و در دنیا توبه ننماید، در عالم برزخ عذاب می‌شود و هنگام قیامت خارج می‌شود از قبر و در آن زمان هیچ گناهی برای او نیست تا از آن سؤال شود.

۲. بیماری: در حدیث قدسی وارد شده که خداوند تعالی فرمود:

«اهل طاعت من در میهمانی من هستند و اهل شکرگزاری‌ام، در زیادی نعمت و اهل ذکر و یاد من، در نعمت من و اما اهل گناه و معصیت من، آنها را از رحمت مایوس نمی‌سازم؛ پس اگر توبه کنند و به سوی من برگردند، من دوست ایشان می‌شوم و اگر مرا بخوانند، آنها را اجابت می‌کنم و اگر بیمار شوند، من طیب آنها خواهم بود، آنها را با سختی‌ها و مصیبت‌ها درمان می‌کنم، تا اینکه ایشان را از گناهان و معایب پاک سازم»^۳.

۳. حسنات و نیکی‌ها: یکی از سنت‌های الهی این است که نیکی‌ها، زشتی‌ها و گناهان را از بین ببرد و خداوند متعال بر اساس لطف و رحمت خود در آیاتی از قرآن کریم به آن متذکر شده و می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ»^۴ کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، گناهان آنها را می‌پوشانیم.

در تفسیر مجمع‌البیان در ذیل آیه:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفَاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ»^۵

۱. الرحمن: ۳۹

۲. نورالتقلین؛ ج ۵، ص ۱۹۵.

۳. بحارالانوار؛ ج ۷۷، ص ۴۲.

۴. عنکبوت، ۷.

۵. هود، ۱۴.

از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: هنگامی که گناهی مرتکب شدی، به حسنه‌ای روی آور و آن را عمل نما، تا گناه تو محو شود.^۱

۴. **زیاد سجده نمودن:** از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت فرمود: فردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! گناهانم زیاد و عملم ضعیف و کم است، پس رسول خدا فرمودند:

«أَكْثِرِ السُّجُودَ فَإِنَّهُ يَحُطُّ الذُّنُوبَ كَمَا تَحُطُّ الرِّيحُ وَرَقَ الشَّجَرِ»^۲ زیاد سجده کن، پس همانا گناهانت محو شود؛ همانگونه که باد، برگ‌ها را می‌ریزد.

۵. **صلوات بر محمد و آل او:**

از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که توانایی بر انجام آنچه موجب کفاره گناهان است ندارد، پس بسیار بر محمد و آل او صلوات فرستد، همانا صلوات، گناهان را نابود می‌سازد.^۳

۱. بحار الانوار؛ ج ۷۱، ص ۳۸۹.

۲. بحار الانوار؛ ج ۸۵، ص ۱۶۲.

۳. همان؛ ج ۹۴، ص ۴۷.